

# سیاست یادزدایی از غدیر

محمد علی چلونگر

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

مقدمه

هفتاد روز پس از واقعه غدیر، رسول گرامی اسلام بدرود حیات گفت. در غدیر حدود صد هزار نفر<sup>۱</sup> از مسلمانان حاضر بودند و مشاهده کردند پیامبر با جملاتی رسا و بدون کمترین ابهام، علی بن ابی طالب علیه السلام را سرپرست مسلمانان و جانشین خود معرفی کرد. در آن اجتماع، جمع حاضرین انتخاب را پذیرفتند و پس از شنیدن پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت کردند. نخستین تبریک‌گویان به علی علیه السلام عمر بن خطاب و ابوبکر بن ابی قحافه بودند<sup>۲</sup>.

با این حال، پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله

در حالی که هنوز بدن مقدس ایشان دفن نشده بود، درصدد تعیین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله برآمدند و گویا درباره موضوع جانشینی علی علیه السلام کمترین سخنی از هیچ کس نشنیده بودند.

اینکه چگونه با آن همه شواهد، یاد غدیر در هیاهوی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله محو گردید و سیاست‌پیشگان آن روزگار به یادزدایی از غدیر موفق شدند، سؤال اصلی است که در این مقاله به آن می‌پردازیم. به دیگر سخن، این مقاله در پی پاسخ به علل یادزدایی از غدیر و فراموش شدن این حادثه مهم در پی وفات رسول الله صلی الله علیه و آله است و اینکه به چه دلیل اصحاب زیر بار حدیث غدیر نرفتند؟

## نفوذ و حاکمیت قریش در تقابل

### با جانشینی امام علی علیه السلام

جامعه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن آیین اسلام را انتشار داد، برپایه عصبیت و ویژگیهای

۱- تعداد حاضران در واقعه غدیر خم را ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر نقل کرده‌اند. بنگرید به: عبدالحسین امینی،

الغدیر فی الکتاب والسنة، ج ۱، ص ۹.

۲- بنگرید به: ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، المصنّف فی الاحادیث والآثار، ج ۱، ص ۱۵.

قبیله‌ای استوار بود. پیامبر ﷺ عصیبت دین را میان آنان پراکند، ولی موفق نشد نظام جاهلی قبیله‌ای را به طور کلی از میان جامعه بربکند.

تا وقتی که پیامبر ﷺ در بین جامعه مسلمانان حضور داشت، عصیبت قومی و قبیله‌ای تحت الشعاع اراده رسول الله ﷺ بود، ولی با وفات آن حضرت عصیبت قومی در صدد احیای قدرت قبلی خود برآمد. در رأس این نظام قبیله‌ای، قبیله قریش قرار داشت و می‌خواست قدرت بعد از پیامبر ﷺ را بر طبق عصر جاهلی در اختیار گیرد و چون نفوذ لازم را با فقدان رسول الله ﷺ مجدداً به دست آورده بود، وارد عرصه سیاست جاننشینی رسول الله ﷺ شد.

انصار به دلیل اختلافات داخلی، از عصیبت لازم برای اتحاد برخوردار نبودند، ولی قریش بیشترین نفوذ و موقعیت را داشت. در مقابل قدرت قریش تنها ممکن بود فرمایش رسول الله ﷺ از بُعد دینی تحولی ایجاد کند، اما عصیبت قریش به اندازه‌ای قدرتمند بود که در مقابل همه چیز حتی دین نیز توان ایستادن داشت. به علاوه از ظاهر دین نیز بهره می‌برد؛ یعنی خودش را هوادار دین می‌شناساند.

همان‌گونه که قبائل عرب تا زمانی که قریش ایمان نیاورد، ایمان نیاوردند، پس از پیامبر ﷺ نیز وقتی قریش سیاسی از بنی‌هاشم منحرف شد، سایر قبائل هم از آن منحرف شدند. از شواهد این مطلب می‌توان به تلاش انصار در رسیدن به حکومت در شهر خودشان اشاره کرد. مدینه شهر انصار بود، اما به رغم آنکه قصد داشتند تا کسی را از میان خود به رهبری بگمارند<sup>۱</sup>، مغلوب قریش شدند. بدین سان وقتی طایفه‌ای نتواند در شهر خود در برابر سه نفر از قریش که متکی به یک نفوذ دیرپا بودند بایستد، چگونه علی بن ابی طالب ﷺ می‌تواند به حکومتی که حق اوست دست یابد؟

آنچه بعد از رسول الله ﷺ در سقیفه اتفاق افتاد، نشان‌دهنده نفوذ و محوریت عصیبت قومی و قبیله‌ای در آن جامعه بود.

### ایجاد رعب و وحشت در جامعه

از عوامل مهم یادزدایی غدیر، در پیش گرفتن سیاست خشونت از سوی عوامل

۱- بنگرید به: محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۵-۴۶۰؛ ابن واضح یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ محمد بن عمر واقدی، الردة، تحقیق یحیی الجبوری، ص ۳۲ و ۳۳.

خلافت علیه مخالفان بیعت و حامیان علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

آنان برای ایجاد رعب و وحشت و شکستن مقاومت مخالفان از قبیله بدوی بنی اسلم استفاده کردند. این قبیله که به ظاهر به صورت اتفاقی در مدینه حاضر شده بود، با جنجال و به شکل پلیسی وارد معرکه شد و مخالفان را سرکوب کرد. عمر بعدها نقل کرد تا زمانی که طایفه اسلم وارد معرکه نشده بود به پیروزی اطمینان نداشتیم<sup>۱</sup>.

در جلسه سقیفه گردانندگان صحنه رقابت، قتل سعد بن عبادہ انصاری را که نامزد جانشینی بود، پیشنهاد دادند، ولی با دخالت هوادارانش عملی نشد<sup>۲</sup>.

این‌گونه اقدامات زمینه‌ای فراهم کرد که آن بخش از جامعه که در حمایت از علی علیه السلام مردّد بودند تن به بیعت خلیفه دهند و از همراهی با امام معصوم خودداری کنند و منتخب غدیر را تنها گذارند.

### تخریب شخصیت و کتمان

#### فضائل امام علی علیه السلام

از حرکت‌هایی که برای یادزدایی از غدیر از همان آغاز این حادثه انجام گرفت، تخریب شخصیت و کتمان فضائل علی علیه السلام بود. علی علیه السلام در دوران حیات رسول الله صلی الله علیه و آله در

صحنه‌های مختلفی رشادتها و قهرمانی‌هایی آفریده بود که هیچ یک از صحابه در این زمینه با او هم‌وردی نمی‌کردند. علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه و آله در مواقع مختلفی احادیثی در فضایل علی علیه السلام بیان کرده بود که در وصف دیگر صحابه نگفته بود. آن اندازه که برای علی علیه السلام فضایل صحیح وارد شده برای هیچ یک از صحابه یاد نشده است<sup>۳</sup>. از میان این فضایل، روایاتی را می‌توان مطرح کرد که کوچک‌ترین تردیدی در درستی آنها نیست. با وجود این فضایل، برای تخریب شخصیت امام وزیر سؤال بردن موقعیت وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی علیه امام جعل گردید.

زمانی شایع کردند که آیه ۵۷ سوره احزاب که آزاردهندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله را لعن کرده و وعده عذاب داده است در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است؛ زیرا او می‌خواست برخلاف رضایت فاطمه علیها السلام

۱- شیخ مفید، الجمل، تحقیق علی میر شریفی، ص ۵۹.

۲- بنگرید به: طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۹؛ ابن

اثیر، الکامل فی التاریخ، تحقیق علی شیری، ص ۱۴.

۳- بنگرید به: سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص

۲۳-۵۶؛ خطیب خوارزمی، مناقب خوارزمی، ترجمه

سید ابوالحسن حقیقی، ص ۵۷ به بعد؛ جلال الدین

سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۳۳-۱۴۰.

دختر ابوجهل را به ازدواج خویش درآورد<sup>۱</sup>. در غزوه تبوک شایع کردند که پیامبر ﷺ از شدت نفرت به علی ﷺ وی را همراه خود به جنگ نبرد تا در کنارش نباشد.

ابن ابی‌الحدید نقل می‌کند: معاویه گروهی بزرگ از صحابه و تابعین را به خدمت گرفت تا اخبار و روایاتی نادرست و قبیح در مورد علی بن ابی‌طالب ﷺ جعل کنند که مایه شگفت و لعن آن حضرت باشد و مردم را به براءت از وی بکشاند. برای این کار نیز پولهای کلان تعیین کرد تا رغبت‌ها را برانگیزد و دنیاپرستان بدان شائق شوند. این‌گونه کسان نیز آنچه او می‌خواست و می‌پسندید بر ساختند؛ از جمله این افراد، در میان صحابه ابوهیره، عمرو عاص و مغیره بن شعبه و از تابعین عروه بن زبیر را می‌توان نام برد<sup>۲</sup>.

با وجود کوشش رسول‌الله ﷺ در بیان فضایل امام علی ﷺ و جایگاه او پس از پیامبر ﷺ در بسیاری مواقع، صحنه‌سازها و دسیسه‌های ریاست‌طلبان مانع از بیان و انتشار اخبار فضائل امام می‌شده است.

جانشینی امام علی ﷺ از سوی شخص پیامبر ﷺ بود.

ابان بن ابی‌عیاش می‌گوید: امام باقر ﷺ فرمود:

«پس از رسول خدا ﷺ علیه علی ﷺ اتحاد کردند. علی ﷺ هم در مقابل آنان با آنچه پیامبر ﷺ درباره او فرموده بود و آنچه مردم از پیامبر ﷺ شنیده بودند، استدلال کرد. آنها نیز کلام علی ﷺ را تصدیق کردند و گفتند: پیامبر اینها را گفته، ولی آن را فسخ کرده و فرموده: خداوند عزوجل به ما اهل بیت بزرگی داده و ما را از میان مردم انتخاب کرده و دنیا را برای ما نخواسته است. خداوند برای ما پیامبری و امامت را جمع نمی‌کند. چهار نفر هم بر این کلام شهادت دادند که عبارت بودند از: عمر، ابو‌عبیده، معاذ بن جبل و سالم غلام ابی‌حذیفه. بدین ترتیب قضیه را برای عامه مردم مشتبه کردند و مردم آنان را تصدیق کردند و با این روش، مردم را به عقب برگرداندند و امامت را از جایگاه اصلی‌اش که خدا قرار داده بود خارج کردند. در مجادله با انصار هم با حق و دلیل

### ادعای فسخ فرمان پیامبر ﷺ

از بهانه‌های سرپیچی از بیعت غدیر، ادعای فسخ فرمان رسول‌الله ﷺ در مورد

۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۸  
۲- بنگرید به: مرتضی‌عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ج ۶، ص ۴۱ و ۴۲.

ما استدلال کردند و عقد خلافت را برای ابوبکر بستند. او هم به عمر رد کرد که بدین وسیله از وی قدردانی کرده باشد.<sup>۱</sup>

ابن ابی‌الحدید هم یکی از دلایل روی‌گردانی مردم از منتخب غدیر و بیعت با ابوبکر را تصور مردم مبنی بر فسخ فرمان رسول الله ﷺ می‌داند. وی از قول استاد خود ابو جعفر نقیب نقل می‌کند:

مردم ساده‌اندیش زمانی که دیدند اصحاب بزرگ با رأی قاطع، خلافت را از علی بازداشتند، تصور کردند که این عمل آنان حتماً به موجب فرمان ویژه‌ای از طرف رسول الله ﷺ است که آنها از آن بی‌اطلاع بوده‌اند و حضرت با فرمانی پنهانی سفارش‌های گذشته خود را در مورد خلافت علی ﷺ فسخ نموده است. به خصوص که ابوبکر روایتی نقل نمود که مردم پنداشتند آنان در انتخاب رهبر خود آزاد هستند. ابوبکر گفت: رسول الله ﷺ فرموده است: «امامان از قریش هستند». بنابراین مردم گمان کردند که برای عهده‌داری منصب پیشوایی مردم، قریشی بودن کافی است؛ هر که می‌خواهد باشد.

مردم با خود می‌گفتند: اینان با اهداف پیامبر ﷺ بیش از ما آشنا نیستند. به همین علت در مقابل مخالفت با دستور خاص

پیامبر ﷺ نسبت به علی ﷺ، مقاومتی از خود نشان ندادند.<sup>۲</sup>

ابن ابی‌الحدید در ادامه می‌گوید: آنچه موجب تأکید بر این مسئله گردید، روایتی از پیامبر ﷺ بود که هر چه را مسلمانان نیکو پندارند، خداوند نیز آن را روا می‌داند. آنان گفتند: پیامبر ﷺ همچنین فرموده است: از خداوند درخواست نمودم که امت مرا در گمراهی جمع ننماید و خداوند هم این درخواست را پذیرفت. همه این امور موجب گردید که مردم به بیعت‌طلبان خوشبین باشند.

### خطراتی که بنیان جامعه

#### تازه‌تأسیس را تهدید می‌کرد

بعد از وفات پیامبر ﷺ حوادثی در جامعه اتفاق افتاد که از یک سو موجب در خطر افتادن جامعه نوپیدا اسلامی می‌شد و از سوی دیگر اذهان مسلمانان را به طرف خود مشغول می‌داشت. این حوادث عبارت بودند از: مرتدان، تهدید حملات رومیان و مشغول شدن مسلمانان در جنگهای اهل رده

۱- سلیم بن قیس، اسرار آل محمد ﷺ، ترجمه اسماعیل انصاری، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۶

که به صورت گسترده در نقاط مختلف جزیره العرب وجود داشت<sup>۱</sup>. این حوادث سبب شد حادثه غدیر و مخالفت‌هایی که در حمایت از امام علی علیه السلام به عنوان منتخب غدیر می‌شد، تحت‌الشعاع قرار گیرد و مسلمانان احساس کنند حفظ کیان اسلام در آن موقعیت مهم‌ترین وظیفه آنان است و مشغول شدن به امری که مربوط به رهبری جامعه است در مرحله دوم قرار دارد. در واقع طغیان مرتدان از زمره عواملی بود که زمینه‌ساز حکومت خلیفه اول شد. آن شورشها به هر انگیزه‌ای بود، برای حکومت ابوبکر نتایج خوبی به همراه داشت؛ چه آنکه درگیری خلیفه با آنان به آرامش دشمنیها و تشنجات داخلی انجامید و اختلافات عقیدتی را به بهانه اتحاد برای نبرد با دشمن مشترک، به فراموشی سپرد. این امر حتی خاندان رسالت را نیز به مماشات با خلافت ناچار ساخت.

از ده هزار نفری که از مدینه با رسول الله صلی الله علیه و آله آهنگ مکه کرده بودند، جمعیتی از مردمان نواحی اطراف بودند که در مدینه به پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته بودند.

در این میان، برخی زن و عده‌ای سالخورده بودند که در هیچ یک از صحنه‌های اجتماعی حضور نداشتند تا نقشی ایفا کنند. از آن جمع چهار، پنج هزار نفری «بسیاری از بردگان یا مستضعفانی بودند که از مناطق مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده بودند و در مدینه قبیله و خویشاوندانی نداشتند؛ مانند اهل صفه. پس تنها نیمی از آنان باقی می‌مانند که بیش از دو هزار نفر نمی‌باشند که اینها هم معمولاً گوش [به فرمان] رؤسای قبایل بودند و در مقابل نظام عشایری خاضع بودند»<sup>۲</sup>.

حضور نداشتن تمام شاهدان غدیر در مدینه زمینه را برای افرادی که با برنامه‌ریزی قبلی در پی دست‌اندازی به خلافت بعد از

### حضور نداشتن بیشتر شاهدان

#### غدیر در مدینه

حاضران در غدیر که شمار آنان حدود صد هزار نفر بود، همگی به مدینه برنگشتند. قبل از رسیدن به مدینه، گروهی به طرف شام و گروهی به سوی یمن در جنوب بازگشتند.

۱- درباره جنگهای رده بنگرید به: واقدی، کتاب الردة، ص ۴۸ به بعد؛ قدامه بن جعفر، الخراج و صناعة الکتابة، شرح و تعلیق محمد حسن الزبیدی، ص ۲۸۲-۲۸۴؛ ابن اعثم، الفتوح، ج ۱ و ۲، ص ۱۴ به بعد.

۲- سید محمد تیجانی سماوی، همراه راستگویان، ترجمه سید محمد جواد مهری، ص ۱۴۶.

پیامبر ﷺ بودند، مهیا کرده بود.

مناصب اجتماعی را در اختیار داشتند، رنج می‌بردند و برای زمانی که این منزلت از آنان سلب شود روزشماری می‌کردند. با وفات پیامبر ﷺ حامی قدرتمند علی ﷺ، زمان جلوه کینه و حسادت آنان فرا رسید.

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: روزی رسول خدا ﷺ بر شانه امام علی ﷺ زد و گریه کرد و فرمود: برای کینه‌هایی می‌گیریم که در دل قومی است و برای تو آشکار نمی‌کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند!

کینه قریش نسبت به علی ﷺ به حدی بوده است که ابن ابی‌الحدید از اینکه قریش امام علی ﷺ را بعد از پیامبر ﷺ نکشستند، ابراز شگفتی می‌کند. او می‌گوید: من از ابوجعفر نقیب پرسیدم: شگفتی من از علی ﷺ است که چگونه در این مدت طولانی بعد از وفات رسول الله ﷺ زنده ماند و با وجود آن همه کینه‌های قریش جان سالم به در برد.

ابن عباس در دوران حکومت عثمان در پاسخ او که می‌گوید اگر خلافت حقّ شما بود قوم خودتان آن را از دست شما خارج کردند می‌گوید:

«به خدا سوگند این قوم، خلافت را به

### کینه و حسادت نسبت به امام علی ﷺ

از دلایل رها کردن منتخب غدیر و سکوت در برابر حقوق پایمال شده او کینه و حسادتی بود که بخشی از قبایل عرب به خصوص قریش از امام داشتند. این کینه و حسادت هم از غلبه عصبیت قومی و جاهلی در بین آنها به جای ایمان سرچشمه می‌گرفت، و هم از پدرکشتگی و قتل خویشان‌شان در غزوات به دست حضرت علی ﷺ. رسم قبایل جاهلی آن بود که اگر کسی از افراد قبیله کشته می‌شد همه آنها پشت سر مقتول قرار می‌گرفتند و درصد انتقام برمی‌آمدند، هر چند مقتول بر باطل بود.

امام علی ﷺ مورد کینه و حسادت بخشی از جامعه قبائلی آن دوران بود. از آنجا که در جنگها در کنار رسول الله ﷺ بسیاری از سران قریش و افراد مشرک قبائل را کشته بود، مورد کینه بود و از آنجا که توانست در پرتو ایمان به خدا و شجاعت و دلاوری، نردبان تکامل را در کنار رسول الله طی کند، به وی حسادت می‌ورزیدند. از دیرباز همه قبائل مکه به خصوص قریش به بنی هاشم و کمالات آنها حسد می‌ورزیدند و از اینکه

۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۷.

خاطر حسد از ما بازداشتند و تو خود این را می‌دانی»<sup>۱</sup>.

### تردید در اطاعت‌پذیری صحابه

در غدیر علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب گردید، اما باور صحابه درباره اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان نبود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که صحابه در مسائل سیاسی مخالفت‌هایی با رسول الله صلی الله علیه و آله داشتند. این مخالفتها در عرصه‌های مختلف حیات رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه بوده است. در اینجا مروری بر چند حادثه تاریخی می‌شود که می‌توان از آنها درجه اطاعت و تسلیم صحابه را در مقابل رسول الله صلی الله علیه و آله دریافت:

در جنگ احد سیصد نفر از صحابه قبل از شروع جنگ، از نیمه راه بازگشتند<sup>۲</sup>. دیگر صحابه نیز بجز افرادی انگشت‌شمار، به هنگام شکست از صحنه جنگ گریختند.

در جنگ احزاب شماری از مردم مدینه از میان صحابه به رسول الله صلی الله علیه و آله اعتراض کردند<sup>۳</sup>.

در صلح حدیبیه وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله صلحنامه را امضا کرد، نزد اصحاب آمد و از آنان خواست تا برخیزند و قربانیهای خود را ذبح کنند و سر خود را بتراشند و از همان جا

برگردند، چون امکان رفتن به مکه در آن سال نیست. مورخان نوشته‌اند مسلمانان ابتدا توجهی به خواست پیامبر صلی الله علیه و آله نکردند. پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله قربانی کرد، آنان کم‌کم شروع به قربانی کردند<sup>۴</sup>. ناراحتی مسلمانان از آن بابت بود که پیامبر صلی الله علیه و آله با مشرکان مکه صلح کرده است. این رخدادها نشان می‌دهد که بعضی از صحابه چندان هم مطیع بی‌چون و چرا نبوده‌اند.

این موارد حکایت از آن دارد که بعضی صحابه در موارد حساس، روحیه مخالفت با رسول الله صلی الله علیه و آله داشته‌اند. در این صورت صحیح نخواهد بود که تصور کنیم با صحابه‌ای روبه‌رو بوده‌ایم که هر چه پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید، از آن حضرت پیروی خواهند کرد.

### جدا کردن امامت دینی از دنیایی

یکی از مسائلی که برای بی‌محتوا کردن

۱- زبیر بکار، الاخبار الموفقیات، تحقیق سامی مکی العانی، ص ۶۰۵ و ۶۰۶.

۲- بنگرید به: ابن هشام، السیره النبویه، تصحیح ابراهیم الایاری و دیگران، ج ۳، ص ۶۸.

۳- بنگرید به: محمد بن عمر واقفی، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، ج ۲، ص ۴۵۹ و ۴۶۰.

۴- همان، ج ۲، ص ۶۰۷.

روح حدیث غدیر انجام گرفت، جدا کردن امامت سیاسی از امامت معنوی و دنیایی بود. این مسئله را می‌توان از لابه‌لای بعضی از سخنان سران سقیفه به دست آورد.

اینکه هیچ یک از مسلمانان حاضر در سقیفه به موضوع نص پیامبر ﷺ در برگزیدن علی علیه السلام اشاره نمی‌کنند حاکی از دریافتی است که در میان سران سقیفه نسبت به امامت و رهبری پس از پیامبر ﷺ از یک سو و مفهوم وصایت و بیعتی که به طور ضمنی با علی علیه السلام در غدیر انجام پذیرفته بود، از سوی دیگر وجود دارد. به نظر می‌رسد دریافت عمومی آنان به چنین تلقی‌یی نزدیک‌تر بوده است که «امامت و رهبری» از جمله امور ضروری است که با تعیین آن، حاکم و یا خلیفه به انتظام امور دنیوی (اجتماعی، سیاسی) جامعه - در چهارچوب‌های پذیرفته شده «دین» - و بی‌نیاز از خصوصیات «فرا بشری» و خدایی می‌پردازد.

نتیجه نگرش یاد شده به موضوع امامت و حاکمیت، دوگونه نسبت را میان دین و دولت یا دین و سیاست برقرار می‌ساخت. در واقع شیعه با تفسیر خود از امامت، حاکمیت و جانشینی پیامبر ﷺ را عمدتاً با تکیه بر معیارهای دینی و مذهبی صرف

می‌نگریست، در حالی که اهل سنت جانشینی پیامبر ﷺ را بیشتر از منظر سیاسی و ضرورت اهتمام به امور دنیوی تفسیر می‌کرد.

«بنابراین زمانی که پیامبر ﷺ رحلت نمود، مسئله جانشینی او به عنوان ترکیبی از رهبری سیاسی و مذهبی جلوه کرد. اکثریت مسلمانان که خلافت ابوبکر را پذیرفتند، بیشتر بر جنبه سیاسی و اجتماعی و به روش متداول جانشینی تأکید کردند؛ یعنی آن‌گونه رهبری و سیاست قبیله‌ای که به وسیله خلیفه اول تفسیر گردید. آنان تا حد زیادی، اگر نتوان گفت به تنهایی، اصل مذهبی و عقیدتی تقدس خاندان معینی را نادیده گرفتند». این فرضیه با جمله عمر به ابن عباس که گفت: «مردم مایل نیستند که نبوت و خلافت توأمأ در خاندان بنی هاشم جمع شود»<sup>۱</sup>، مورد حمایت قرار گرفت.

### سخن پایانی

پیامبر اسلام ﷺ در طول حیات رسالت خویش آنچه برای هموار کردن جانشینی امام علی علیه السلام لازم بود انجام داد. از آغاز علنی

۱- حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۱۱.

شدن رسالت آن حضرت در سال سوم بعثت این حرکت آغاز شد و تا پایان عمر شریفش ادامه یافت. مهم‌ترین تلاش رسول الله ﷺ در معرفی امام علی علیه السلام به عنوان جانشین، در هیجدهم ذوالحجه سال دهم هجری در محل غدیر به فرمان و نص الهی بود که به صورت آشکار و صریح انجام شد، ولی در مقابل فرمان رسول الله ﷺ عواملی مقاومت کردند و مانع خواست وی در تحقق جانشینی امام علی علیه السلام شدند. آن عوامل در جامعه عرب جاهلی زمینه داشت که بخشی از آن از قبل سازماندهی و برنامه‌ریزی شده بود.

### منابع و مآخذ

- ۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۲- ابن ابی‌شبیبه، ابوبکر عبدالله بن محمد، المصنّف فی الاحادیث و الآثار، بیروت، تارالتاج.
- ۳- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۹م.
- ۴- ابن اعثم، ابو محمد، الفتح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶م.
- ۵- ابن هشام، السیره النبویه، تصحیح ابراهیم الابیاری - مصطفی السقا - عبدالحفیظ شبلی، مطبعة البابی الحلبی و اولاده، قاهره، ۱۹۳۶م.

- ۶- امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر فی الکتاب و السنّة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۷۶م.
- ۷- تیجانی سماوی، سیّد محمد، همراه راستگویان، ترجمه محمد جواد مهری، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۸- خوارزمی، خطیب، مناقب خوارزمی، ترجمه سیّد ابوالحسن حقیقی، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۷۴ش.
- ۹- زبیر بن بکار، الاخبار الموفقیات، تحقیق سامی مکی العانی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۴.
- ۱۰- سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۶ش.
- ۱۱- سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه اسماعیل انصاری، قم، انتشارات علامه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۲- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۹م.
- ۱۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- ۱۴- عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، تهران، مجمع علمی اسلامی.
- ۱۵- قدامة بن جعفر، الخراج و صناعة الکتابه، شرح و تعلیق محمد حسن زبیدی، بغداد، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۱م.
- ۱۶- محمد جعفری، حسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.
- ۱۷- المفید، محمد بن محمد بن نعمان، الجمل، تحقیق علی میرشریفی، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ش.
- ۱۸- واقدی، محمد بن عمر، الردة، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۱۹- \_\_\_\_\_، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ۲۰- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا.